روی بقبله باستند و دعا کنند و دعا کنند تا آفتاب غروب کند از عرفات باز گردند و
بمزدلفه آیند و آنجا شام تا خفتن تاخیر کنند تا با نماز خفتن بمزدلفه جمع کنند و بگزارند چون بمزدلفه رسند امام یا دیگران نماز
شام و خفتن جمع بگزارند و واجب در وقوف بمزدلفه آنست که بیک چون از آخر عرفه حاضر شود و دیگر خطه بوا اگر از اهل
عبادت بود و اگر حاضر شود بخفتن وقت وقوف بمزدلفه چون بود و حد مزدلفه از وادی عرفه است بضم عین و فتح را تا بکوهها
حاضر شود و تحقیق وقت وقوف بمزدلفه چون بود و حد مزدلفه از وادی عرفه است بضم عین و فتح را تا بکوهها
که مقابل عرفه اند و از آنجا بوادی محسر است و وادی محسر و مسجد ابراهیم علیه السلام و نمره از عرفات نیست و وقت
وقوف بعرفه از زوال روز عرفه است تا طلوع صبح روز عید تا اگر افتضا کند بر وقوف روز و یا شب چنین حرج
ست آید و مبیت بمزدلفه از نسک است و هر که از حرم واجب نباید اما مستحب بود و حد مزدلفه از راه عرفه تا
است تا بوادی محسر و چون شب نیمه شود اولی است که ضعیفان از مزدلفه بمنا روانه کنند تا بمنا
است تا بوادی محسر و چون شب نیمه شود اولی است که ضعیفان و ضعیفان از مزدلفه بمنا روانه کنند تا بمنا
صبح و غلامان صبح چنان بگذارند که تا آخر شب باقی بود بعد از آن روانه شوند و مستحب است که سنگ رمی
که بجمره اند از مزدلفه برداشته باشند و اگر از جای دیگر بردارند روا باشد و آن مسجد و مشعر الحرام است بود و بر دا
شتن و سنگ رمی که بردارند و صحیح است که هفت بردارد از برای انداختن روز عید و چون بمنا آمد چون بمنا
رسند و آن کوهی است بنزدیک مزدلفه باستند و دعا کنند و دعا و استغفار کنند و رو بقبله اولی آنکه تا چندان که روشن شود و بعد
از آن روانه شوند با سکینت و آرام و اگر محمل یابد شتاب بر آن اولی چون بوادی محسر رسد که سوار بود مستحب است
که هماره تا آنکه بمنا رسد و اگر پیاده باشد و بر سنگ رمی بود شتاب بر وی واجب است و بعد از آن باز آید بر وی و نماز بنا
بر آنکه بمنا رسید و بر سنگ رمی بود شتاب بر وی واجب است و بعد از آن باز آید بر وی و نماز بنا
چندان که بوادی طلوع افتاب باشد و چون سنگ انداختن بر آن کند پس سر بتراشد و یا موی کوتاه کند چون فارغ شوند
عرفه سنگ بنگ بیاندازد و لبیک قطع کند و چون سنگ انداختن بر آن کند پس سر بتراشد و یا موی کوتاه کند چون فارغ شوند
بمکه آیند و طواف زیارت کنند و آن طواف رکن است و سعی کنند بعد از آن طواف قدوم نکرده بود و آن آنجا بامنا آیند و از بعد آن
مبیت و سنگ انداختن ایام تشریق بعد از تراشیدن تا کنون است و صحیح آنکه بر آن سوار شود اگر چون نماز شام کند تا کند
و کمتر بنا بجمره بود سه تا موی است و بر کردن بجمره تراشیدن است و اگر احرام بعمره بسته بود و با یک بهمه وقتی
تراشد که از سعی فارغ شود و اگر بعد از سعی و پیش از تراشیدن سر جماع کرد عمره از نو بفساد آید و هر روز عید جمار
عمل است سه روز انداختن بجمره العقبه و قربان کردن و سر تراشیدن و طواف کردن شب و بر این جمار شرط است بجمره
از سنگ انداختن بجمره العقبه و قربان کردن و سر تراشیدن و طواف کردن شب و بر این جمار شرط است بجمره
حرام موجب بر روی مباح کرده و از اختیار قدوم کردن بنماز بر آن است که انداختن ایام تشریق بعد از آن بدهم جایز است
سنگ بگذارند بنه جمره انداختن جمره العقبه سنگ هفت که در روز دوم از ایام تشریق بعد از عرفه و بعد از آفتاب خواهد
از منا باز آید و اولا باشد و بیست و یک سنگ انداختن در سه جمره و دوم نیز روز دوم بنا شد و در سنگ

اندختن بجمره ها ترتیب شرط است با یکدیگر اول بان جمره انداز که در آنجا رمی شود بنظر است بجمره منا بجمره العقبه
و سنت است که در انداختن سنگ بر دارد و روی بجمره کند و کعبه را دست چپ گیرد و عرفات با دست راست و سنگ
در سنگ انداختن بام شریف ان روی است تا بزرگ است که بر آن سنگ نیفتد بامانت و انچه
انداز دشکسته بود و سنت است که بدست ان بوی کبیر انگشت اندازند و اگر سر سنگ کند کند و واجب بود و اگر از
سنگ انداختن عاجز بود بجهت بنیابت وی بیندازد و چون از اعمال فارغ شود و خواهد که بیرون آید طواف
وداع واجب بود و اگر کند بحج صحت ایک و لیکن گنهکار شود و واجب شود و اگر پیش از مسافت قصر باز گردد حاجت
فقط شود و اگر زن حایض بود طواف وداع نکند و دم واجب باشد و مستحب است که از جای زمزم بیاشامد و
بعد از ان زیارت مشهد پیغمبر صلی الله علیه و سلم زیارت کند

نوع اعمال حج و عمره سه قسم است ارکان و ابعاض و هیئات ارکان حج پنج است احرام و استیلای بعرفات و طواف کعبه و سعی میان صفا و
مروه و سر تراشیدن و ارکان عمره چهار است احرام و طواف و سعی و سر تراشیدن و ارکان را جبر نیست
بقضا از کردن بدیگر ارکان باید کردن و واجبات حج چون باشد بدم و واجبات چون بجا نیاورد
هیئات و احرام و سنگ انداختن و طواف وداع آن از آفاقی است و هر دم واجب نیست بلکه مستحب است چون
هیئت بر دارد و حرم میان روز و شب بعرفات و با مستحب نیست چون رمل و اضطباع و غیر ایشان و هیئات
است **تلبیه** و ولی طفل را باشد که از برای کودک غیر ممیز احرام بندد و کودک بر وقت حاضر گرداند و
حج از برای آن کودک حاصل شود و امر زن را کودک ممیز را باشد و وی بنفس خود احرام بندد با ذن ولی و بنفس
خویش اعمال بجای آرد و انچه بر محرم حرام است ترک کند و اگر بمیرد از آن قیام نماید فدیه و حلال و واجب
شود **فصل** بر محرم هفت چیز حرام است و بعد از آن فدیه واجب شود حرام است بر پوشیدن سر بر کوتاه یا بلند
مه یا بازار و بر پوشیدن تن بجامه دوخته و یا با فته و یا ساخته هم چون پیراهن و جوشن و جبه عند و احرام
زنان در وی است و روا باشد که روی بپوشاند بجامه که از سر فرو آمده باشد و بر ابرو روی و تن استاده چنان
که بر لباس نیفتد و اگر محرم را عذری بود و چون گرما و سرما و روا باشد که جامه دوخته در بر کند و لیکن فدیه
واجب شود **نوع دوم** بوی خوش بکار داشتن قصد چون گل و سنبل و ورس و زعفران و سر و غمز
است فدیه واجب کند و بر آمیختن و یا جمله ستیاک کردن فدیه واجب شود **نوع سیم** موی سر و ریش و غمز
اندوختن فدیه واجب کند **نوع چهارم** سر تراشیدن و سوختن و بر کندن و انداختن کرفتن فدیه
واجب کند اگر موی سر و یا بر شانه کرد و بر شانه بر کند سر فدیه واجب شود و اگر بر آموختن تا سید یا بر کند
باشد فدیه واجب شود و در سر موی و یا بسه ناخن کرفتن واجب شود و اگر بر یک موی و یا هر یک ناخن موی از
طعام و در دو و دو مد **نوع پنجم** جماع است و جماع حج بفساد آید و قضا و کفارت واجب شود چون جماع

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)